ادامه حدیث دوازدهم:

**یَا هِشَامُ! إِنَّ اللّٰهَ - تَبَارَکَ وَ تَعَالیٰ - أَکْمَلَ لِلنَّاسِ الْحُجَجَ بِالْعُقُولِ وَ نَصَرَ النَّبِیِّینَ بِالْبَیَانِ وَ دَلَّهُمْ عَلَی رُبُوبِیَّتِهِ بِالْأَدِلَّةِ فَقَالَ وَ إِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِیم‌…** **لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُون‌…**

**معنای لغوی حجج**: (حَجَّ) به معنای قصد؛ حجت: یعنی قصد به‌سوی حقیقت.

برخی گفته‌اند: حجت در اصل به معنای غلبه است.

**معنای "أَکْمَلَ لِلنَّاسِ الْحُجَجَ بِالْعُقُولِ":**

نظر علامه مجلسی:

**احتمال اول:** مراد از حجج، براهین است؛ به این صورت که خداوند براهین را به‌وسیله عقول بر مردم کامل نمود.

**احتمال دوم:** مراد از حجج، انبیاء و اوصیاء الهی است. بدین معنی که انبیاء با آمدنشان سبب کمال عقول مردم شده‌اند.

**احتمال سوم:** مراد از حجج، اتمام حجت است. بدین معنی که خداوند با اعطای عقل بر مردم، حجت را بر آنها کامل نموده است.

نظر ملاصدرا:

أی اکمل نفوس الانبیاء بعقول الفاضله لیکون حججا علی عباده.

نظر مرحوم گیلانی:

مراد از حجج، انبیاء و معصومین نمی‌باشند، بلکه تمام مخلوقات ناطق و صامت حجج الهی‌اند؛ زیرا می‌بایست به‌جای عبارت **"نصر النبیین**" جمله **"نصرهم"** بیان می‌شد.

مراد از **"الناس"** تمام مردم نمی‌باشند؛ زیرا می‌بایست به‌جای عبارت **"أکمل لهم الحجج"** می‌فرمود "اتم علیهم الحجج."

نظر استاد:

نظر میرزا صالح مازندرانی را می‌پذیرد.

**"وَ نَصَرَ النَّبِیِّین بِالْبَیَانِ":**

خداوند در مقابل مخالفین، أنبیاء را به واسطه بیان و کلامشان یاری کرد.

مراد از **"البیان"** حجج و پیام‌ها و رسالات الهی است.

**"وَ دَلَّهُمْ عَلیٰ رُبُوبِیَّتِهِ بِالْأَدِلَّةِ"**

خداوند به‌وسیله ادله، انبیاء الهی را بر ربوبیت خود راهنمایی نمود.

**"فَقَالَ: «وَ إِلٰهُکُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلاٰفِ اللَّیْلِ وَ النَّهٰارِ وَ الْفُلْکِ الَّتِی تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِمٰا یَنْفَعُ النّٰاسَ وَ مٰا أَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمٰاءِ مِنْ مٰاءٍ فَأَحْیٰا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهٰا وَ بَثَّ فِیهٰا مِنْ کُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِیفِ اَلرِّیٰاحِ وَ السَّحٰابِ الْمُسَخَّرِ بَیْنَ السَّمٰاءِ وَ الْأَرْضِ لَآیٰاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ»"**

علت تکرار در "وَ إِلٰهُکُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ":

**نظر استاد:** می‌بایست جمله را به‌صورت کامل بیان کرد **"وَ إِلٰهُکُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ"** و آیه مبارکه صرفاً تثبیت وحدانیت خداوند را بیان نمی‌کند؛ بلکه معنای رحمانیت و رحیمیت را هم بیان می‌کند و بازگوکننده رابطه‌اش با **"العقل ما عبد به الرحمن"** است.

معنای آیه:

**اولاً:** یک خدا در عالم وجود دارد.

**ثانیاً:** او رحمان و رحیم است و همه را به رحمت رحمانیه خود آفریده و همه موجودات را برای مؤمنین بکار گرفته است.

**ثالثاً:** تمام اینها نشانه‌ای دارد که باید مؤمن به‌سوی کسب رحمت رحیمه خداوند که مختص مؤمنین است حرکت کند.

معنای وحدت خداوند:

وحدت حقیقیه منظور است نه عددیه؛ بدین معنی که خداوند شبیه و فرد ندارد. چنین وحدتی نافی دو نکته است.

یک: نفی کثرت برون‌ذاتی به معنای نظیر و شبیه و شریک.

دو: نفی کثرت درون‌ذاتی به معنای بسیط بودن ذات، یعنی عینیت صفت و ذات، و نفی ترکیب در ذات.

در وحدت خداوند حتی فرض دوئیت و نظیر و شبیه هم وجود ندارد. این مطلب جز با لاحدّ بودن خداوند بیان نمی‌شود.

**نکته: "لَآیٰاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ":**

* مقصود از "لَآیٰاتٍ" یک‌سری آیات و نشانه‌های معرفتی توحیدی‌اند.
* آیات مشابه "لَآیٰاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ" هم به تعقل نظری و هم تعقل عملی اشاره دارد.

امیرالمؤمنین علی می‌فرماید:

**«** **وَ لَوْ فَکَّرُوا فِی عَظِیمِ الْقُدْرَةِ وَ جَسِیمِ النِّعْمَةِ لَرَجَعُوا إِلَی الطَّرِیقِ وَ خَافُوا عَذَابَ الْحَرِیقِ وَ لَکِنِ الْقُلُوبُ عَلِیلَةٌ وَ الْبَصَائِرُ مَدْخُولَة، ...»** (نهج البلاغه/خ 185)

اگر در عظمت قدرت خدا و بزرگی نعمت‌هایش می‌اندیشیدند، به راه راست بازمی‌گشتند و از عذاب آتش می‌ترسیدند، ولی دل‌ها بیمار و بینش‌ها معیوب است... .

امیرالمؤمنین علی می‌فرماید:

**«** **فَهُوَ الَّذِی تَشْهَدُ لَهُ أَعْلَامُ الْوُجُودِ عَلَی إِقْرَارِ قَلْبِ ذِی الْجُحُود**» (نهج البلاغه/خ **49**)

* **اولین گام در مدیریت عقل، آزادسازی عقل از اسارت هوی‌وهوس به‌وسیله قلب است.**